

بررسی کلان‌گفتمان مشروطیت در خاطرات حاج سیاح (دوران خوف و وحشت) بر اساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف

مژگان دیباج^۱

دکتر بهادر باقری^۲

چکیده

هر اثر، متناسب با موضوع خود حاوی کلان‌گفتمان‌ها و خرده‌گفتمان‌هایی است که عناصر زبانی و معنایی در خدمت تبیین و تفسیر آنها به‌کار گرفته می‌شود. **خاطرات حاج سیاح محلاتی**، از جمله آثار برجسته در دوره قاجار است که در بخش قابل‌ملاحظه‌ای از آن به یکی از رویدادهای سیاسی-اجتماعی زمان، یعنی مشروطیت پرداخته شده و قرار داشتن مؤلف در جبهه مشروطه‌طلبان، این صبغه را پررنگ‌تر ساخته است. بررسی کلان‌گفتمان مشروطیت در این اثر بر اساس الگوی نسبتاً جامع فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، نماینده نگرش مثبت نویسنده به مسئله مشروطیت و به‌کارگیری عناصر زبانی و واژگانی، دستوری و بیانی و... در موافقت با این رویداد است. در جبهه مخالف مشروطه‌خواهان، مخالفان آن قرار دارند که دقیقاً روی دیگر سکه را می‌نمایانند و برخورد انتقادی نویسنده در سه ساحت توصیف، تفسیر و تبیین با آنها این امر را برجسته‌تر می‌کند.

کلیدواژه‌ها: خاطرات حاج سیاح (دوران خوف و وحشت)، مشروطیت، فرکلاف، کلان‌گفتمان، تحلیل انتقادی گفتمان.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) raha.dibaj2010@yahoo.com

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی bahadorbagheri47@gmail.com

۱- مقدمه

۱-۱- تحلیل گفتمان

از جمله نظریات برجسته ادبی که امکان خوانشی تازه از متون را فراهم آورده، نظریه تحلیل انتقادی گفتمان است و فرکلاف از نظریه پردازان برجسته آن به شمار می‌رود. به عقیده وی «گزاره‌های تلویحی طبیعی شده که منشی ایدئولوژیک دارند، در گفتمان فراوان یافت می‌شوند و در تعیین جایگاه مردم به عنوان کنشگرهای اجتماعی، نقش ایفا می‌کنند. این مفروضات، به‌طور کل طبیعی شده و مردم از وجود آن‌ها بی‌خبر هستند. گفتمان، ریشه در چارچوب بازتولید اجتماعی روابط سلطه (هژمونی قدرت) و نگرش انتقادی، ریشه در عمل تقابلی (دیالکتیکی) میان ساختار و کنش دارد» (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۲۰). در نظریه فرکلاف، گفتمان به بساختن سه پدیده کمک می‌کند: هویت اجتماعی، روابط اجتماعی و نظام‌های دانش و معنا. بدین ترتیب گفتمان سه کارکرد دارد: کارکرد هویتی، کارکرد رابطه‌ای و کارکرد فکری. در اینجا فرکلاف از رویکرد چند کارکردی دستور زبان هالییدی^۱ (کارکرد اندیشه‌ای، کارکرد بینافردی و کارکرد متنی) به زبان کمک گرفته است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

تحلیل انتقادی گفتمان از طریق مطالعات تحلیل متون ادبی، سبک‌شناسی و نقد ادبی ارتباطی برجسته با ادبیات می‌یابد. «تحلیلگران گفتمان انتقادی بر این باورند که متون ادبی نیز مانند سایر متون در خدمت ارتباط هستند؛ از این رو آنها را نیز می‌توان با نگرش و روش انتقادی تحلیل نمود. تاریخ، ساختارهای اجتماعی و ایدئولوژی در نقد زبان‌شناختی از منابع اصلی دانش به شمار می‌روند و تحلیلگران رویکرد انتقادی گفتمان معتقدند که تولید، فهم، خوانش و تحلیل متون به عواملی همچون بافت خرد و کلان اعم از مسائل فلسفی، تاریخی، سیاسی، جامعه‌شناختی، ایدئولوژیکی و گفتمان وابسته است؛ زیرا رابطه بین مردم و جامعه به صورت تصادفی و دلخواهی نیست؛ بلکه توسط نهادهای اجتماعی و دیگر عوامل دخیل در گفتمان تعیین می‌شود و ادبیات و متون ادبی هر دوره نیز در بافت خاصی تولید، تحلیل و تفسیر می‌گردد. زبان‌شناسان انتقادی، همچون فاولر^۲، الگوهای برای تحلیل، تفسیر و نقد متون ادبی ارائه نموده‌اند. در نگاه تحلیلگران گفتمان انتقادی، ادبیات به مثابه زبان

1. halliday

2. Fowler

و گفتمان است) (آفاگل زاده، ۱۳۸۶: ۲۷-۱۷). با توجه به این رویکرد، سفرنامه حاج سیاح را نیز همچون بسیاری از متون می‌توان با رویکرد فرکلاف بررسی نمود و سرنخ‌های برجسته‌ای از ایدئولوژی نظام قدرت را در آن یافت.

به عقیده فرکلاف، «گفتمان با «قدرت» و مناسبات آن ارتباط تنگاتنگی دارد و هم پدیدآورنده و پرورش‌دهنده قدرت و هم شکل‌دهنده و البته تغییردهنده و حتی منسوخ‌کننده آن است. قدرت، اهرم مهم گفتمان در کنش‌زایی‌هاست؛ زیرا ماهیتاً به‌دنبال مطیع کردن و ایجاد نظم و سیستم مورد نظر گفتمان در جامعه است. ایجاد این نظم، بدون ایجاد گفتمان امکان‌پذیر نیست. گفتمان برای کسب مشروعیت در جامعه از باورها و معانی مشترک در میان جامعه یا گروه‌های اجتماعی بهره می‌گیرد که اصطلاحاً «ایدئولوژی» نامیده می‌شود. استفاده از ایدئولوژی علاوه بر ایجاد مشروعیت، به‌صورت اتوماتیک، امکانات دیگری را برای گفتمان فراهم می‌آورد؛ از جمله اینکه گفتمان با استفاده از ایدئولوژی، امکان مخالفت را از مخالفان می‌گیرد و از سوی دیگر گروه‌های اجتماعی نیز در راستای منافع قدرتمندان حرکت می‌کنند؛ زیرا ایدئولوژی مورد استفاده، از همان ارزش‌ها و جهان‌بینی‌های مشترک و بنیادین گروه‌های اجتماعی گرفته شده است و از آنجا که این ایدئولوژی و جهان‌بینی، رکن اساسی در زبان، اعتقادات، اندیشه‌ها و اعمال مردم یا گروه‌های اجتماعی است، در نتیجه سلطه یا قدرت مرتباً در گفتمان بازتولید می‌شود و مردم، خواسته یا ناخواسته، همواره به بازتولید سلطه در گفتمان می‌پردازند» (حسین پناهی، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

فرکلاف برای نظریه خود یک الگوی تحلیلی ارائه کرد که در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین به بررسی گفتمان‌ها می‌پردازد و در یک حرکت از جزء به کل، ارتباط متن، قدرت و ایدئولوژی را بررسی و تبیین می‌کند. وی در طرح الگوی خود سه روش و سنت تحلیلی را ترکیب کرده که عبارتند از: ۱. تحلیل فراگیر متن در میان بافت زبان‌شناسی (شامل دستور زبان کاربردی هالیدی) ۲. تحلیل عمل اجتماعی در زمینه کلان (شامل نظریه فوکو) ۳. تحلیل عمل اجتماعی در زمینه خرد (مانند تحلیل مکالمه) (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

۱-۲- خاطرات حاج سیاح

خاطرات حاج سیاح، مهم‌ترین اثر حاج سیاح محلاتی است که با ورود نویسنده به بوشهر در روز سوم مرداد ۱۲۵۶ آغاز و با رویدادهای مرداد سال ۱۲۸۸ و ماجرای فتح تهران و فرار محمدعلی شاه خاتمه می‌یابد. محتویات این اثر را می‌توان به دو بخش عمده تقسیم کرد: بخش نخست که از آغاز تا سال ۱۲۷۵ ه.ش و ماجرای پناهنده شدن نویسنده را دربرمی‌گیرد، بیشتر از گونه سفرنامه و خاطره‌نویسی است و بخش دوم، شامل حوادث تا سال ۱۲۸۸ ه.ش و بیشتر به صورت تاریخ‌نگاری است.

در خاطرات حاج سیاح به موضوعات مختلفی پرداخته شده که مشروطیت از جمله کلان‌گفتمان‌های آن است. نویسنده از نسل نوگرایان دگراندیش عصر قاجار و یکی از افراد مؤثر در ترویج مشروطه‌خواهی است (آذرنگ، بی‌تا: ۵۷) که بنابر خاطراتش به دلیل فعالیت در این زمینه، زندانی و شکنجه نیز شده است؛ در واقع او را شاید بتوان از جمله کسانی دانست که به عقیده کسروی، در جنبش مشروطه، گمنام و بی‌شکوه، کار را از پیش بردند اما کنار گذاشته و شکنجه شدند تا مشروطیت، نانجام بماند (کسروی، ۱۳۶۳: ۵). با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از خاطرات حاج سیاح به مشروطیت می‌پردازد، در مقاله حاضر کوشش شده تا «مشروطیت» به عنوان یکی از گفتمان‌های کلان آن بر اساس نظریه فرکلاف تحلیل شود.

۲- پیشینه پژوهش

در بررسی مربوط به این مقاله می‌توان به «نقد و بررسی سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به فرنگ با رویکرد تحلیل گفتمان»، نوشته علیزاده بیرجندی و رجبلو (۱۳۸۹) اشاره کرد. پایان‌نامه‌ای با موضوع تحلیل گفتمان سفرنامه‌های اروپایی دوره مشروطه نیز نوشته شده است. برخی از پژوهش‌های انجام‌شده درباره حاج سیاح و آثار او نیز عبارتند از: «معرفی کتاب: حاج سیاح و سفرنامه او»، نوشته مسرت (۱۳۷۸)، «فرار از وضع موجود (نگاهی به سفرنامه فرنگ حاج سیاح)»، نوشته ابراهیمی (۱۳۸۹) و «حاج سیاح، سفرنامه‌نویسی معلم اخلاق و واضع لغت»، نوشته روح‌بخشان (۱۳۸۴).

۳- مشروطیت در خاطرات حاج سیاح

۳-۱- سطح توصیف

توصیف، بخشی است که در آن ارزش‌های تجربی و رابطه‌ای و بیانی موجود در متن در دو سطح واژه و دستور زبان بررسی می‌شود.

«برای تحلیل یک متن، پیش از هر چیز باید توجه داشت که موضوع پیام در انتخاب گونه زبانی، نقشی اساسی برعهده دارد. هر موضوعی به ناچار گونه زبانی خاصی را می‌طلبد» (پهلوان‌نژاد و ناصری مشهدی، ۱۳۸۷: ۴۱).

در توصیف، یک متن در سه سطح واژگان، دستور و ساخت‌های متنی بررسی می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۹)

۳-۱-۱- توصیف در سطح واژگان

فرکلاف در بررسی واژگان یک گفتمان در سطح توصیف، به سه نوع ارزش تجربی، رابطه‌ای و بیانی پرداخته است (همان: ۱۷۰).

۳-۱-۱-۱- ارزش‌های تجربی واژگانی

در بخش ارزش‌های تجربی واژگانی، ارزش‌های تجربی کلمات، طرح طبقه‌بندی آن‌ها، عبارت‌بندی دگرسان یا عبارت‌بندی افراطی و روابط معنایی (شمول، تضاد و هم‌معنایی) بین کلمات بررسی می‌شود (همانجا).

واژگان خاطرات حاج سیاح، حاوی ارزش‌های تجربی گفتمان مشروطه‌طلبی و آزادیخواهی است. «وی از آغاز جنبش مشروطه‌خواهی در شمار هواداران مشروطیت بود و نوشته‌های غیرقانونی و روزنامه‌های ایرانیان خارج از کشور را در میان مردم پخش می‌کرد... در جریان جنبش مشروطه‌خواهی، وی که بیش از هفتاد سال داشت، فعالانه شرکت کرد» (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۵۲۱). مشروطه‌خواهی نویسنده سبب شده تا وی در جای‌جای اثرش از گفتمان مشروطه‌طلبی و مشروطه‌خواهی دفاع کند: «بالاخره بعد از رفت‌وآمد زیاد و تواتر خبر انقلاب تبریز و سایر شهرها و تقاضای مشروطیت از هر طرف و مساعدت انگلیسیان، شهرت دادند که شاه سؤال کرد: «مقصود از مشروطیت چیست؟» گفتند: «عدل و ترقی و آبادی مملکت». گفت: «یعنی طهران مثل لندن شود؟»

گفتند: «بلی!» گفت: «چه بهتر از این؟!» پس قبول کرده، فرمان مشروطیت در چهاردهم جمادی‌الثانی سنه ۱۳۲۴ صادر گردید» (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۵۶۱).

در اثر مورد بررسی در بخش مربوط به دوران استبداد صغیر محمدعلی شاه نیز از نهضت مشروطه دفاع شده است: «انقلاب در تبریز شدت یافته زیرا مردم چند سال بود که از تعدیات و سوء حالات محمدعلی میرزا به تنگ آمده و از آینده سلطنت او برای ایران و ملت بسیار بیم داشتند. پس بازارها را بستند و با تلگراف‌ها اصرار به اعطای مشروطیت کردند» (همان: ۵۶۲).

از دیگر ویژگی‌های توصیفی واژگانی در این اثر، استفاده از عبارت‌بندی دگرسان است که نویسنده از آن جهت توصیف مشروطه‌طلبان استفاده کرده است. وی بر خلاف آنکه نظمت قدرت، مشروطه‌طلبان را عناصری شورشی و منفی می‌داند، با عبارت‌بندی کاملاً متضاد و دگرسان، ایشان را افرادی غیور و آزادی‌طلب می‌داند (ر.ک همان: توصیف ستارخان و باقرخان، ۶۰۱).

شگرد زبانی دیگر، کاربرد روابط معنایی است که در پرداخت کلان‌گفتمان مشروطیت در خاطرات حاج سیاح مورد توجه قرار گرفته است. در این نوشته از هم‌معنایی مثبت برای توصیف مشروطه‌طلبان استفاده شده است:

«اولین کسی که طالب قانون و نظم و عدل و ترقی در ایران بود، مرحوم میرور، «میرزا تقی اتابیک» (امیرکبیر) بود که در ولیعهدی ناصرالدین شاه، یکی از همراهان او در سفرنامه روسیه بود» (همان: ۵۵۱).

در بند بالا واژگان «قانون، نظم، عدل و ترقی» تقریباً هم‌معنا و نماینده اهمیت موضوع نزد نویسنده است. در این کتاب از شمول معنایی نیز برای برجسته‌سازی معنا استفاده شده است:

«در نشر علم، دارالفنون را تشکیل داد، معلم از اروپا جلب نمود، مقرر کرد اطفال با استعداد به فرنگ رفته تحصیل علم کرده برگردند... باید کار کرد و مردم را عالم نمود و کارها را به عالمان و دانایان سپرد» (همان: ۵۵۱؛ برای موارد بیشتر ر.ک همان: ۴۸۵، ۵۶۵، ۵۴۵).

واژگان «علم، تحصیل، عالم، عالمان» که نسبت به یکدیگر دارای شمول معنایی هستند و «عالمان و دانایان» که هم‌معنایی را می‌رساند، سبب برجستگی متن شده است. در این اثر از تضاد معنایی نیز در توصیف مشروطه‌طلبان و مخالفان استفاده شده است:

«در این ایام، توسط بعضی از آزادی‌خواهان در عتبات، حقایق مشروطیت را به رؤسا گفته... و آخوند ملاکاظم خراسانی و ... به مردم فهمانده بودند که مساعدت مشروطیت واجب است و مخالفت با آن معصیت و حرام است و چون غالباً در میان فقها رقابت و لجاجت هست و طلب ریاست به نفوس غالب فضل الله و مستبدین دیگر، روابطی پیدا کرد» (همان: ۷۳-۵۷۲).

واژگان «آزادیخواهان، مستبدین»، «مشروطیت، استبداد»، «مساعدت، مخالفت» و «واجب، حرام»، متضاد همدیگر هستند. استفاده از این واژگان متضاد در یک اثر، مشارکین آن و افکار و عقاید و ایدئولوژی آن‌ها را برای مخاطب تبیین و تشریح می‌کند و علاوه بر آن، دیدگاه نویسنده را نیز می‌نماید.

۳-۱-۱-۲- ارزش‌های رابطه‌ای واژگانی

در مرحله بررسی ارزش‌های رابطه‌ای، مواردی از قبیل: عبارات دال بر حسن تعبیر و کلمات رسمی یا محاوره‌ای بررسی می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۸). در خاطرات حاج سیاح، نویسنده، بیش از آنکه از حسن تعبیر استفاده کرده باشد، از واژگانی با ارزش رابطه‌ای منفی برای تقیح و سرزنش مستبدان استفاده کرده است:

«در طهران، سعدالدوله، مصدر فتنه و شرارت گردیده، معلوم شد که محمدعلی شاه او را بر ضدیت با مجلس تحریک می‌کند. مجلسیان جداً تبعید او را خواستند و او به سفارت هولاند پناهنده شد ماده فساد را شعله می‌زد. محمدعلی شاه که رذل‌پسند و بی‌حقیقت بود هر جا اشخاصی پست را به خود مقرب گردانید...» (همان: ۵۸۵).

واژگانی چون: فتنه، شرارت، فساد، پست، رذل‌پسند و بی‌حقیقت، واژگانی منفی به‌کار رفته در بند بالاست و با استفاده از آن‌ها، فضای فاسد و آبیستن مشروطیت زمان توصیف شده است (برای موارد بیشتر ر.ک همان: ۵۵۹، ۶۱۷-۶۱۶).

۳-۱-۱-۳- ارزش‌های بیانی واژگانی

در این بخش، بحث درباره استعاره‌هاست (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۰). منظور استعاره مفهومی است که همچون ابزاری مفید، نقش مهمی در شناخت و درک پدیده‌ها و امور دارد و در حقیقت یک مدل فرهنگی در ذهن ایجاد می‌کند که زنجیره رفتاری طبق آن برنامه‌ریزی می‌شود (لیکاف و جانسون،

۱۹۸۰: ۲۴۴). استعاره مفهومی برای محسوس کردن امور معقول و انتزاعی و بیان تجربیات مبهم (رخدادها، مفاهیم غیر مادی) در قالب ملموس اشیا، مواد یا ظرف به کار می‌رود. حاج سیاح از این تکنیک جهت ملموس و محسوس نموده جریان مشروطیت استفاده کرده است:

«چه بدبختی و چه بلایی به ایران رو نمود» (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۶۰۷)، «ظلم قاجارایه به حد کمال رسیده است و دور از عدل خداوندی است که این وضعیت باقی بماند» (همان: ۶۲۵). در این نمونه‌ها کلماتی همچون: بدبختی، بلا، ظلم، عدل و وضعیت، مفاهیمی انتزاعی و معقول هستند که با اسناد افعال مجازی مربوط به امور مادی و غیر انتزاعی، محسوس شده‌اند؛ به عنوان مثال، ظلم، ماده پنداشته شده و حدی برای آن تصور شده است.

علاوه بر استعاره مفهومی، برخی از آرایه‌ها و صناعات ادبی نیز کارکردی ایدئولوژیک و تأکیدی دارند که در الگوی فرکلاف بدان پرداخته نشده است. موارد زیر نمونه‌هایی از این کاربردها است: «محرم سال (۱۳۲۵ قمری - اسفند ۱۲۸۵ شمسی) شروع شده، در حالی که تنور انقلاب در ایران شعله‌ور است» (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۵۶۷).

در بند بالا «تنور انقلاب»، اضافه تشبیهی است و انقلاب به دلیل هیجانانگیز و حوادث فراوان آن به تنوری سوزان و شعله‌ور تشبیه شده که خشک و تر، اعم از مخالف و موافق را در کام خود فرو می‌برد و می‌سوزاند؛ نیز «بنای آزادی» در بند: «در بسیاری از آن‌ها از طرف محمدعلی شاه و مستبدین، فساد و دسیسه برای تخریب بنای آزادی در کار بود» (همان: ۵۷۷).

در اثر مورد بررسی، علاوه بر آزادی بیان نویسنده (به دلایلی از جمله چاپ آن بعد از دوره قاجار، بی‌پروایی نویسنده و ارتباط او با برخی رجال صاحب منصب و حمایت آنها از وی) که سبب کاربرد نسبتاً فراوان تشبیه در مقایسه با استعاره و نماد در اثر وی شده است، عامل برجسته دیگری نیز در کمرنگ بودن بعد استعاری زبان، نقش دارد و آن فواید کاربرد استعاره است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: مبالغه، زیبایی و تزئین کلام، زمینه‌سازی برای نماد، خیال‌پردازی (زرین‌کوب، ۱۳۴۶ و قبادی، ۱۳۷۴). در واقع ژانر اثر که خاطره‌نویسی است، سبب شده تا در آن میزان استفاده از استعاره که به لحاظ زبانی، بیشتر کارکرد زیبایی‌شناختی دارد، بسیار کمرنگ شود؛ در حالی که این‌گونه برجسته‌ساز زبانی در آثار تاریخی فنی از جمله: *نفثة المصذور*، تاریخ و صاف و... کاربردی قابل توجه و چشمگیر دارد (ر. ک محمودی، ۱۳۹۴).

۳-۱-۲- توصیف در سطح دستور زبان

در این بخش، متن از منظر ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای، بیانی بررسی می‌شود که در ادامه، این موارد با توضیح بیشتر در این اثر بررسی می‌شود.

۳-۱-۲-۱- ارزش‌های تجربی دستوری

در این مرحله، نوع فرایندها و مشارکین آن، کنشگری، فرایند اسم‌سازی، معلوم یا مجهول بودن جملات و مثبت یا منفی بودن آنها بررسی می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۴).

۱- مشارکین: در خاطرات مذکور، سه نوع مشارک وجود دارد: ۱. راوی (حاج سیاح)؛ ۲. مشروطه‌طلبان؛ ۳. مخالفان مشروطه. راوی، فردی مشروطه‌طلب است. او در سرتاسر اثرش به دفاع از مشروطه‌طلبان می‌پردازد. «خاطرات حاج محمدعلی محلاتی، معروف به حاج سیاح، یکی از اسناد مهم در توصیف نابسامانی‌های ایران در فاصله سومین دهه سلطنت ناصرالدین شاه و آغاز بحران مشروعیّت نظام خودکامه تا پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی مردم ایران است» (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۵۱۹). مشروطه‌طلبان، مشارکان دوم خاطرات حاج سیاح محلاتی هستند. این افراد شامل شخصیت‌های بزرگ، تأثیرگذار و مهمی از جمله: ملک‌المتکلمین، سید جمال‌الدین واعظ، امیرکبیر، سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی و ... هستند. راوی همواره از ایشان دفاع و آن‌ها را ستایش می‌کند: «امیرگفت: چاره نیست! باید ملامت مردم را قبول کرد و ایران را نجات بخشید. باید تو پسر میرزا ملکم را با چند نفر از اطفال قابل به فرنگ بفرستی، تحصیل علم کنند. میرزا ملکم مخصوصاً علم سیاست را بخواند» (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۵۵۱).

مشارکان سوم، مخالفان مشروطه هستند. این افراد، طیف وسیعی را دربرمی‌گیرند: محمدعلی شاه، عین‌الدوله، علاءالدوله، شیخ فضل‌الله نوری، امام جمعه تهران، ظهیرالسلطان، عین‌السلطان، ظل‌السلطان، سعدالدوله و دیگر شاهزادگان قجری. «به مساعدت محمدعلی شاه و ملاهای مستبد، اشرار همه جا را بر قتل و غارت و هرج و مرج تحریک کرد. فریاد استغاثه مظلومان و غارت‌زدگان دهات از ولایات بلند گردید» (همان: ۵۸۲).

۲- فرایندهای زبانی: در حوزه ارزش‌های تجربی دستوری، مهم‌ترین مقوله، فرایندهای فعلی است. یکی از دسته‌بندی‌های رایج افعال، تقسیم آن‌ها به سه گونه کنشی (فاعل + مفعول/متمم + فعل)،

رخدادی (فاعل + فعل / افعال مجهول) و توصیفی (اسنادی: است، بود، شد، گشت و گردید). بنابراین عقیده فرکلاف، هنگامی که فرد می‌کوشد تا عمل، رخداد، وضعیت یا رابطه‌ای را در یک متن بازنمایی کند، باید از میان انواع فرایندهای دستوری و مشارکین مختلف، دست به انتخاب بزند که این انتخاب ممکن است به‌لحاظ ایدئولوژیک معنادار باشد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۴). در این کتاب، اکثر فرایندهای زبانی، کنشی است. «افعال کنشی یا حرکتی، افعالی هستند که بیانگر کنش بوده و به مراحل نیاز دارند که این مراحل، یکی پس از دیگری انجام می‌گیرند» (شیخ سنگ تجن و مشهدی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۱۱۹۶). افعال کنشی، چنان‌که از نام آن نیز برمی‌آید، تحرک و پویایی را می‌رساند. بند زیر، بسامد تقریبی کاربرد انواع فرایند فعلی را در کتاب مذکور نشان می‌دهد:

«بالجمله عده‌ای از تجار از سفارت روس خواستند که به ایشان راه دهند که در سفارت تحصن کرده، دادخواهی نمایند. سفارت روس قبول نکرد. مردم از سفارت انگلیس خواستار شدند. سفیر با لندن سؤال و جواب کرده، شهرت داده شد که جواب آمده، اگر از صد نفر کمتر نباشند، قبول و مساعدت به رفع ظلم می‌کنیم. پس در سفارت را باز کردند. فوج‌ها از تجار و کسبه و هر قبیله به عمارت سفارت رفته، چادرها زده، اسباب مهیا کرده، به کسبه جزء بازار که عاجز بودند، پول برای معیشت داده و پول‌ها خرج کرده، کم کم جمعیت از قرار مسلم ده‌هزار بلکه بیشتر هم جمع شدند و نهار و شام و چای اینقدر جمعیت به‌خوبی تهیه و اداره می‌شد. ناطقان چندی نطق می‌کردند و از قبایح ظلم و شایع اعمال درباریان خصوصاً عین‌الدوله و علاءالدوله و امیربهادر و سایرین که شاه بیچاره را اغفال کرده، مملکت را به حال فلاکت انداخته‌اند، می‌گفتند» (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۵۵۹-۵۵۸).

جدول ۱. بسامد تقریبی فرایندهای فعلی به کار رفته در خاطرات حاج سیاح

فرایند	تعداد	افعال
کنشی	۱۷	خواستند، راه دهند، تحصن کرده (کنند)، قبول نکرد، خواستار شدند، سؤال و جواب کرده (کردند)، قبول می‌کنیم، رفع می‌کنیم، باز کردند، رفته (رفتند)، عاجز بودند، زده (زدند)، مهیا کرده (کردند)، داده (دادند)، خرج کرده (کردند)، اغفال کرده (کردند)، انداخته‌اند، می‌گفتند
رخدادی	۶	دادخواهی نمایند، شهرت داده شد، جواب آمده، تهیه می‌شد، اداره می‌شد، نطق می‌کردند
توصیفی	۲	نباشند، شدند

از میان ۲۵ فعل به‌کار رفته در بند بالا ۱۷ مورد (۶۸ درصد) جزء افعال کنشی، ۶ مورد (۲۴ درصد) آن‌ها فعل رخدادی و ۲ فعل (۸ درصد) توصیفی است. دو مورد از افعال رخدادی در واقع فعل کنشی است که به صورت مجهول درآمده و رخدادی محسوب شده‌اند. این دو فعل عبارتند از: تهیه می‌شد و اداره می‌شد.

۳- اسم‌سازی: منظور از اسم‌سازی، تبدیل جمله به عبارت اسمی است. کارکرد این تکنیک در خاطرات حاج سیاح این است که اسنادهای سببیت و مسؤولیت، نامعلوم گذاشته می‌شود تا ذهن خواننده به چالش کشده شود. علاوه بر این می‌تواند به دلیل وضوح برجسته‌شده موارد محذوف باشد که در این صورت، راوی سفرنامه، نیازی به بازگویی آن ندیده و ترجیح داده است که فهرست‌وار مروری بر آن کند و بگذرد. همچنین می‌تواند به دلیل رعایت جوانب احتیاط و پرهیز از دردهای به‌ویژه سیاسی باشد. در هر صورت این فرایند، سرعت خوانش متن را بالا می‌برد و دریافت و پردازش آن توسط ذهن خواننده، بسیار بیش از جمله است. فرایند اسم‌سازی در بند زیر از این اثر، به‌طور چشمگیری کاربرد یافته است:

«این قرض‌ها و سفرهای مظفرالدین‌شاه و پامال شدن خزینة دولت و تسلط روس‌ها و غلبه بلژیک‌ها و ذلت مسلمانان و استخدام ارامنه و تسلط ایشان و رسیدن خبرها از داغستان که مسلمانان را به آتش افکنده‌اند و زنده پوست کنده‌اند و این مطیع خالص شدن دولتیان ایران به روس‌ها و تشکیل قزاق به‌شکل قزاق روس در ایران و صاحب‌منصبی روسی و خرابی اوضاع مالیه و اعترافات علماء عتبات بر این اوضاع جانگداز و بی‌خبری و گرفتاری مظفرالدین‌شاه به مرض و شدت ظلم و حرص درباریان و التفات جمعی خارجه‌دیده و وطن‌خواه به این حال اسفاشتمال، مقدمه یک بحران خطرناکی را فراهم کرده...» (همان: ۵۵۱-۵۵۰).

۴- معلوم و مجهول: چنانکه در جدول (۱) نیز دیده می‌شود، بیشتر جملات معلوم هستند. این امر نشان‌دهنده صراحت نویسنده در معرفی کنشگرها و عدم سانسور خبری در واقعه‌نگاری وی است. علاوه بر این افعال مجهول ویژگی‌هایی دارند که عبارتند از: آرام کردن جدال‌ها و ایجاد آرامش و صلح، تبریته از اشتباهات گذشته، پرت کردن حواس، کنترل و هدایت توجه دیگران، سلب قدرت از دیگران، ارتقای شخصیت و صلاحیت و از بین بردن مرزها و مالکیت‌ها

(www.unlimitedpower.ir) که این موارد در این اثر، کاربرد قابل توجهی ندارند و همین امر بسامد وقوع این گونه را در کتاب حاضر کم کرده است.

۵- مثبت و منفی: بسامد وقوع افعال منفی نسبت به افعال مثبت در این سفرنامه بسیار اندک است. این امر از افعال مطرح در جدول شماره ۱ نیز به طور کامل مشهود است. علت این است که افعال مثبت، دارای حرکت و پویایی هستند که این امر متناسب با نوع اثر مذکور است؛ بدین مفهوم که در این نوشته، نویسنده، روایتگر لحظه به لحظه رویدادهایی است که در زمان وی یکی پس از دیگری اتفاق افتاده و کنش کنشگران را توصیف می‌کند؛ کنش‌هایی که اغلب مثبت (فعل مثبت) هستند و بیش از آنکه انجام نشده باشند، روی داده و حوادث بعدی را در پی داشته‌اند.

۳-۲-۲- ارزش‌های رابطه‌ای دستوری

در بخش ارزش‌های رابطه‌ای دستوری درباره وجه‌ها (خبری، پرسشی، امری) و ویژگی‌های مهم وجهیت رابطه‌ای بحث می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۰).

در این سفرنامه، بیشتر جملات، وجه خبری دارند. راوی با استفاده از این وجه، تمامی اطلاعات را در اختیار مخاطب می‌گذارد. او خود از نزدیک شاهد حوادث مشروطه بوده و به عنوان یک فعال سیاسی مشروطه‌خواه، اطلاعات مستند فراوانی از حوادث آن را ثبت و ضبط کرده است. غلبه وجه خبری را به‌طور برجسته در بند زیر می‌توان دید:

«محمدعلی شاه و اطرافیان علی‌التصالح در کار داشتند و می‌خواستند این اساس را از بیخ برچینند. کم کم ضدیت شاه با ملت همه جا مذکور گردید و نفرت میان ملت و سلطنت پیدا شد» (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۵۶۷)

در کنار وجه خبری، که وجه غالب در این کتاب است و تناسب کامل با نوع اثر (وقایع‌نگاری و خاطره‌نویسی) دارد، وجوه دیگر نیز به‌کار رفته است. وجه خبری، بیشتر در گزارش حوادث و رویدادها کاربرد یافته؛ در حالی که وجوه پرسشی و امری را بیشتر در نقل قول‌ها می‌توان دید:

«به مشیرالدوله گفتم: این نحو نظامنامه که وکلا از بقال و عطار ایران و طهران انتخاب شوند و تقریباً نصف وکلا مال تهران باشند و به محض انتخاب وکلای طهران مجلس منعقد شود، این نحو وکلای مجلس چه خواهند کرد؟» (همان: ۵۶۳).

«چون من از قدیم مشهور به آزادی‌طلبی بودم، بعضی دوستان به من اطلاع دادند که: خودت و پسرت همایون احتیاط کنید!» (همان: ۵۹۵).

۲- وجهیت: مقوله دیگر دستوری که در زیرگروه ارزش‌های رابطه‌ای مطرح می‌شود، وجهیت است که مربوط به افعال شبه‌کمکی است. «بایستن، شایستن و توانستن را نیز نوعی فعل معین باید به‌شمار آورد؛ زیرا به کمک آنها فعل در حالت‌های خاصی از وجه التزامی به‌کار می‌رود» (انوری و گیوی، ۱۳۷۷: ۷۰).

در این اثر، وجهیت همچون وجه پرسشی و امری در نقل‌قول‌ها کاربرد یافته است و در سایر بخش‌های گزارشی، نویسنده تنها به خبرنگاری و واقعه‌نگاری بسنده کرده و از تحلیل و ابراز نظر و قضاوت پرهیز کرده است. در ادامه نمونه‌هایی از کاربرد وجهیت در اثر مورد اشاره آورده خواهد شد. «جواب داد: «باید جهد کرد تا این شاه هست، این اساس صورتی پیدا کرده، مجلس تشکیل شود» (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۵۶۳).

«جواب آمد که: اینان مفسدند و هفت نفر دیگر هم مفسدند که در مجلس متحصن هستند. باید آنان را هم بدهید» (همان: ۵۹۵).

۳-۲-۱-۳- ارزش‌های بیانی دستوری

در این بخش به ارزش‌های بیانی ویژگی‌های دستوری و ویژگی‌های مهم وجهیت بیانی پرداخته می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۲). پالمر، سه جنبه برای وجهیت برمی‌شمرد که عبارتند از: معرفتی، الزامی و پویا. وجهیت معرفتی، قضاوتی است که راجع به امکان تحقق وضعیت یا رخدادی ایجاد می‌شود. در وجهیت الزامی، سخن از تأثیرگذاری بر عملی، وضعیتی یا رخدادی است. وجهیت پویا نیز نه تنها موارد کنش‌گرمدار، بلکه کاربردهای خنثی و شرایطمدار را نیز شامل می‌شود (رحیمیان و عموزاده، ۱۳۹۲: ۲۹-۲۵).

وجهیت به‌کار رفته در کتاب مورد بررسی، بیشتر از گونه‌ی الزامی و پویا است و گاه از جایگاه قدرت بیان می‌شود، گاه نماینده دل‌سوزی و رفاقت و گاه نیز دربرگیرنده قضاوت است. در بند زیر، وجهیت بیانی از گونه‌ی الزامی و از جایگاه قدرت بیان شده است:

«مگر نوکر شاه نیستید؟ امر کرده، باید اطاعت کنید» (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۶۰۶).

در بند زیر نیز می‌توان وجهیت پویا را دید که هم کنش‌گرمدار و هم شرایطمدار است؛ بدین مفهوم که هم الزام را می‌رساند و هم نماینده لزوم فراهم شدن شرایط، جهت جاری شدن فعل است: «فرمودند: من منتظر سردار محتشم و بهادرالدوله هستم، آنها باید با عده سواری که جمع‌آوری می‌کنند، برسند و حرکت کنیم» (همان: ۶۲۰).

۲-۳-۲- سطح تفسیر

تفسیر هر متن ادبی در دو مرحله انجام می‌گیرد: الف. تفسیر بافت، ب. تفسیر متن (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵).

۱-۲-۳- تفسیر بافت

در مرحله تفسیر بافت، چهار بُعد اصلی هر گفتمان و چهار پرسش مرتبط با هر بُعد در نظر گرفته شده است: ۱- محتوا: ماجرا چیست؟ ۲- فاعلان: چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ ۳- روابط: روابط میان آنها چیست؟ ۴- پیوندها: نقش زبان در پیشبرد ماجرا چیست؟ (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۵-۲۲۳)

۱- ماجرا: ماجرای اصلی در این کتاب، سفر نویسنده به کشورهای مختلف جهان و شهرهای ایران است و به موضوعات مختلفی از جمله سیر و سیاحت، زبان فارسی، دولت و ملت، دین و سیاست، علم و جهل، مدارس دینی، عدالت و ظلم، پیشرفت و رفاه، اخلاق اجتماعی، تربیت و تمدن، حقوق بشر، استقلال، آزادی، استبداد، قانون‌گرایی، نظام سیاسی، شهرسازی و شهرنشینی، خرافه‌گرایی، سفرنامه‌نویسی، تاریخ‌نگاری، تاریخ و فرهنگ پرداخته شده است. یکی از مهمترین موضوعات مطرح در این اثر، حوادث مربوط به نهضت مشروطه ایران در اواخر دوره قاجاریه است. راوی در این بخش از کتابش به شرح فداکاری‌ها و ایثار مشروطه‌طلبان و قساوت مخالفان پرداخته است.

۲- مشارکین: افراد موجود در این اثر به سه دسته تقسیم می‌شوند: مشروطه‌طلبان که آزادیخواه، قانونگرا و فداکار هستند. استبدادگران و ناراضیان که مخالف مشروطه و آزادی هستند. افراد کشورهای بیگانه (سفیران و گماشتگان کشورهای روسیه و انگلیس) که با دخالت‌های خود در امور ایران به ظالمان کمک می‌کردند. البته تعدادی مشارکین متفرقه نیز در این اثر وجود دارند که نقش خاصی در جریان مشروطیت ندارند؛ کسانی همچون مادر نویسنده و برخی افراد که وی در طول سفرهایش دیداری کوتاه با آنها دارد.

۳- روابط: روابط بین مشروطه‌طلبان از یکسو و مستبدان و اتباع کشورهای بیگانه در سوی دیگر، روابطی خصمانه است. استبدادگران به فرماندهی محمدعلی شاه، مشروطه‌طلبان را دشمن خود می‌دانند و به شدت با آن‌ها مخالفند: «باز کشاکش میان مجلس و شاه شروع شد، این دفعه محمدعلی شاه، استعداد خود را تکمیل کرده، قزاق کلاً به ریاست لیاخوف و فوج سیلاخوری با سرکردگان و جمعی از اشرار مسلح در باغ شاه بودند و توپ‌ها را هم برده بودند» (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۵۹۵). رابطه شاه با نیروهای بیگانه از جمله روسیه، رابطه خوب و دوستانه‌ای بود: «بعضی عقلاء می‌دانستند که این آشوب را دیپلمات‌های روس دایر می‌کنند تا جلو ترقی و بیداری ایران را گرفته، به بهانه ناامنی قشون وارد کرده، دخالت در کار ایران نمایند» (همان: ۵۹۶)

۴- زبان: زبان در این اثر، رسمی و تک‌صدا است و اگرچه نویسنده بسیاری از نقل قول‌های کنشگران را به صورت مستقیم آورده است اما مخاطب با متنی تک‌صدا مواجه است و اکثر نقل قول‌ها در جهت تأیید مشروطیت به گوش می‌رسد. در این اثر، صدایی ضعیف از مخالفان مشروطه وجود دارد که در پس زمینه صدای اصلی (نویسنده) متن قرار دارد. برای نمونه در مثال زیر می‌توان با وجود نقل قول‌های مستقیم، تک‌گویی غالب نویسنده را درباره مشروطیت شنید: «به فتوای شیخ فضل‌اله قناعت نکرده، از ملا قربانعلی استفسار می‌کردند. او می‌گفت: مگر به شما پول نداده‌اند که به تبریز بروید؟ می‌گفتند: داده‌اند. می‌گفت: خوب! اجیر هستید. تکلیف رفتن است. می‌گفتند: فرضاً رفتیم. آیا تبریزیان را بزنییم یا بکشیم؟» (همان: ۶۰۶؛ برای موارد بیشتر ر.ک همان: ۵۴۹، ۶۱۰، ۵۸۳-۵۸۲).

۳-۲-۲- تفسیر متن

در این بخش، تفسیر مشارکین گفتمان از بافت موقعیتی و بینامتنی، نوع گفتمان و تفاوت پاسخ مشارکین به آنها در چهار سطح ظاهر کلام، معنای کلام، انسجام موضعی و ساختار متن بررسی می‌شود (فرکلاف، ۱۳۶۹: ۲۲۵).

۳-۲-۱- ظاهر کلام

در این مرحله، متن، نظام آوایی، دستوری و واژگانی مورد نظر است (همان: ۲۲۸). در اثر مورد بررسی، نمونه‌هایی از کاربرد تکرار آوایی دیده نشد اما از منظر کاربرد واژگان، موارد زیادی وجود دارد که نویسنده از واژگان نشان‌دار مثبت برای توصیف مشروطه‌خواهان استفاده کرده است:

«مرحوم مبرور، شهید آزادی‌خواه، فرید سعید، سید جمال‌الدین واعظ که روزی چند در طهران مخفی بود... شاه و شاهپرستان که تشنه خون آن ناطق حقگو بودند تفحص کردند دست بر او نیافتند» (همان: ۶۰۸)

در خاطرات حاج سیاح در توصیف مخالفان مشروطه از واژگان نشان‌دار منفی استفاده شده است: «چند دسته از اوباش و سید ملانماهای کلاش جمع شده...» (همان: ۵۸۷).

از دیگر روش‌های دستیابی به گفتمان و ایدئولوژی متن، بررسی نظام دستوری است. برخی عناصر دستوری که از طریق آن‌ها می‌توان گفتمان و ایدئولوژی متن را بررسی کرد عبارتند از: صفت‌های تفضیلی و عالی، عناصر تأکیدی مانند مترادفات، تکرار، قیدهای تأکید و انحصار و قطعیت، وجه امری و التزامی و وجه پرسشی با محتوای نفی (استفهام انکاری) (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۵۹).

۱- صفت‌های عالی و تفضیلی: در این اثر با استفاده از صفت‌های عالی به ستایش آزادیخواهان پرداخته شده است:

«اولین کسی که طالب قانون و نظم و عدل و ترقی در ایران بود مرحوم مبرور و میرزا تقی خان اتابیک (امیرکبیر) بود» (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۵۵۱).

«به قرآن قسم یاد کردند که با مشروطیت و قانون خواهی همراهی کنند و در یک روز در یک مجلس هفتاد نفر بیشتر از اعیان قسم خوردند» (همان: ۵۸۴).

۲- عناصر تأکیدی: نویسنده با استفاده مواردی چون: مترادفات و صنعت تکرار به ستایش مشروطه‌خواهان و تقبیح استبدادگران پرداخته است. برای نمونه در بند زیر با استفاده از مترادفات و تکرار، وضعیت پریشان مردم تحت استبداد قاجاریه به خوبی توصیف شده است:

«ایرانیان گرسنه و پریشان شده‌اند، ثروتمندان رفته، غیرتمندان رفته، صنعتشان رفته، تجارتشان رفته، عزتشان رفته، اخلاق فاسد شده، عیاش، و تنبل و مفتخور و دزد و دغل بار آمده‌اند... بنگی، چرسی و شربی و تریاکی شده‌اند» (همان: ۴۸۶).

حاج سیاح، علاوه بر کاربرد مترادف و تکرار، از قیده‌های تأکید نیز برای ستایش مشروطه‌طلبان و تقییح مستبدان استفاده کرده است:

«بعضی روحانیون به طور حقیقت و به واسطه پاکی فطرت، خواهان آزادی بودند» (همان: ۵۷۸).
«سردار اسعد شخصاً مردی وطن پرست است و به هیچ گونه اهل رشوه‌گیری و این قبیل چیزها نیست» (همان: ۶۲۵، برای نمونه بیشتر ر.ک ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۵)

۳- وجه امری و التزامی: در این اثر، نمونه‌های زیادی از جملات امری و التزامی وجود دارد و این جملات، متضمن اصول عقاید مشروطه‌طلبانه و نویسنده است:

«شاه می‌گوید: «از اشرار است! فوری آسوده‌اش کنید». بیچاره را فوراً طناب انداخته خفه می‌کنند» (همان: ۶۱۷)

«اگر بتوانید مسافرتی به اصفهان بنمایید که سردار اسعد و صمصام السلطنه را تا موقع نگذشته به طرف طهران حرکت بدهید خدمت بزرگی به وطن نموده‌اید» (همان: ۱۹-۶۱۸)

۴- استفهام انکاری: در این کتاب، نمونه‌هایی از استفهام انکاری دیده می‌شود. برای مثال در نامه‌هایی که مشروطه‌طلبان به حکام و علما نوشته‌اند، برای تحت تأثیر قرار دادن حکام شهرها و علما از انواع پرسش‌های انکاری استفاده شده است:

«این توهین‌ها و غارت‌ها و جرم‌ها و حبس و زنجیرها و شکنجه‌ها که به مسلمانان وارد می‌آید در نزد آقایان گویا از عادیات نیست؟ آیا جوابی برای روز جزا حاضر کرده‌اید؟ به ما هم بفهمانید! اگر نکردید به این امت که برای تحصیل شماها کرور کرور پول تحمیل آن‌ها شده چه نتیجه‌ای به مسلمانان عاید گردیده؟» (همان: ۳۳۹)

در بند بالا استفهام انکاری به قصد تأکید بر بی‌توجهی علما استفاده شده است (برای موارد بیشتر ر.ک: ۴۰۵).

۳-۲-۲- معنای کلام

در این بخش، یک متن از منظر جنبه‌های معناشناختی و کاربردشناسی بررسی می‌شود. حاج سیاح از نظر معناشناختی با استفاده از فنون بلاغت و دستور زبان، سعی در ترویج گفتمان مشروطه‌طلبی و آزادیخواهی دارد. وی این کار را از طریق آوردن کلمات هم‌معنا، تضاد، استعاره و مجاز در سطح

واژگان و جمله انجام داده است. به واژگان هم‌معنا و مترادف، متضاد و استعاره در بخش‌های قبلی اشاره و نمونه‌هایی از آن‌ها آورده شد. در اینجا نمونه‌هایی از مجاز ذکر می‌شود:

«بازارها بسته و مردم در وحشت بودند» (همان: ۵۵۶)

در جمله بالا، منظور از بازار، مغازه‌های بازار است. در جمله زیر نیز منظور از سفارت روس، کارکنان آن است:

«عده‌ای از تجار از سفارت روس خواستند که به ایشان راه دهند که در سفارت تحصن کرده، دادخواهی نمایند، سفارت روس قبول نکرد» (همان: ۵۵۸).

در کاربردشناسی، مفسر به دنبال پیدا کردن کنش‌های گفتاری متن است. «در ترسیم خصوصیات بخشی از یک متن به عنوان یک کنش گفتاری، در حقیقت کنشی را توصیف می‌کنیم که تولیدکننده متن به عنوان یک واسطه تولید متن آن را انجام می‌دهد؛ مثل بیان یک گفته، قول، تهدید، هشدار، طرح یک سؤال، دستور و...» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۳۵). در خاطرات حاج سیاح نمونه‌هایی از این کنش گفتاری وجود دارد. او نقل قول‌هایی از یک اندیشمند خارجی به نام «فگراوس» آورده است:

«گفت: پادشاهی که گربه را لقب داده، او را بر عقلاء مملکت برتری دهد و یک بچه‌ای را ملیجک نامیده، محبوب گردانیده، عزیزالسلطان بنامد و دختر به او دهد، یک رذل و پستی را وزیر بزرگ مملکت کردن چه استبعاد دارد؟» (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۵۴۷)

۳-۲-۲-۳- انسجام موضعی

در این سطح، بین گفته‌ها ارتباط معنایی برقرار می‌شود تا در صورت امکان، تفسیری منسجم از رشته کلام به دست داده شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۸). در خاطرات حاج سیاح، انسجام موضعی را در بُعد معنایی و دستوری می‌توان دید. نویسنده، انسجام دستوری را بیشتر با استفاده از حروف شرطی و ربطی ایجاد کرده است:

«امین السلطان در میان مردم به موافقت با شاه بلکه تحریک محمدعلی شاه به مخالفت با مردم شده بود و در نزد محرمان شاه متهم بود به اینکه می‌خواهد شاه را خلع کند بلکه ایران را جمهوری کرده...» (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۵۸۳)

یکی از شگردهای برجسته‌ای که سبب انسجام و اتصال ساختاری در اثر مورد بررسی شده، حذف شناسه فعل است که سبب افزایش سرعت متن و پیوستگی و انسجام آن می‌شود:

«بعضی گفتند که سپهدار اصرار داشته که به زودی به هیأت اجتماع حمله کرده، شهر را ویران و اهالی بیچاره را قتل عام کنند. عین‌الدوله می‌خواست با بستن راه آذوقه، اهالی را مضطر و مجبور به تسلیم کرده، بدون کشتار تابع گردانند و بعضی گفتند سپهدار حال زار تبریزیان بی‌تقصیر را دیده، گفته بود ما به چه دلیل باید این مسلمانان را محاصره کرده، بکشیم؟ در هر حال سپهدار برگشته، به طهران هم نیامده، به وطن اصلی خودش که تنکابن است، رفت» (همان: ۶۰۶)

۴- سطح تبیین

در سطح تبیین، گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی بررسی می‌شود. موقعیت اجتماعی یا محیط اجتماعی‌ای که باعث به وجود آمدن گفتمان مشروطه‌طلبی و آزادیخواهی در ایران دوره قاجاریه شد، ریشه در ظلم و ستم حکام قاجار و بی‌کفایتی آنان داشت. در دوره ناصرالدین شاه، ایران به یک کشور عقب مانده و فقیر تبدیل شده که مورد طمع روز افزون قدرت‌های استکباری مثل روسیه و انگلیس قرار گرفته بود. مجموع این عوامل موجب نارضایتی عمیق توده‌های مردم به خصوص طبقه روشنفکر جدید و طبقه متوسط سستی شد.

«تماس و برخورد با غرب، افزون بر گسترش طبقه روشنفکر جدید و طبقه متوسط سستی، نارضایتی اجتماعی فراگیری را هم پدید آورد. طبقه روشنفکر که در اندیشه پیشرفت پر شتاب بود، نارضایتی روز افزون از روند آهسته نوسازی و فساد زیاد دربار را بیان می‌کرد. طبقه متوسط سستی که در برابر رقبای بیگانه بی‌دفاع مانده بود. کم کم پی برد که قاجار بیشتر به فکر تقویت دولت در برابر جامعه است تا حفظ جامعه در برابر قدرت‌های امپریالیستی» (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۹۰-۸۹).

عقب ماندگی و فقر مطلق ایران در دوره ناصرالدین شاه موجب شد تا او قراردادهای غیرمنصفانه‌ای را با کشورهای خارجی ببندد که غالباً به نفع کشورهای خارجی و ضرر ایران بود و مردم به مفاد آن اعتراض کردند و شورش بزرگی در تهران رخ داد:

«مردم ایران که در این تاریخ بر اثر اندک آشنایی یافتن به احوال ممالک خارجه و خواندن جراید فارسی که در استانبول انتشار می‌یافت، پس از اطلاع بر شرایط این انحصارنامه و مقایسه آن با امتیازی

که دولت عثمانی در باب انحصار دخانیات با شرایط بهتری به شرکتی خارجی داده بود، شروع به مخالفت با اساس آن کردند» (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۰۰۲). این مخالفت عظیم مردمی در نهایت ناصرالدین شاه را وادار به لغو قرارداد کرد. این ماجرا باعث خودباوری بیشتر مردم و افزایش مطالبات آنان شد؛ مطالباتی مانند: مجلس، عدالتخانه، انتخابات و مشروطه. حاج سیاح به این موارد اشاره کرده است:

«سفیر انگلیس از مردم سؤال کرد: «شما چه می‌خواهید؟» خواستند بعضی عوامل بگویند ما آقایان را می‌خواهیم. عقلاء چند گفتند: نباید به این اکتفا کرد و نباید به عزل عین الدوله هم قناعت کرد. پس مصمم شدند که بر تقاضای خود خواستن اطاق عدالت که شاید معنی آن را هم نمی‌دانستند بیفزایند» (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۵۵۹).

بسیاری از نهادها و انجمن‌ها و روشنفکران و از جمله نهاد روحانیت شیعه، نقش مهمی در ترویج گفتمان مشروطه‌طلبی داشت: «آقا سید عبدالله [بهبهانی] را بعد از توهین زیاد قرار شد به کرمانشاه برده به طرف عتبات بفرستند و آقا سید محمد [طباطبایی] را با پسرش بعد از چندی حبس به مشهد تبعید نمودند» (همان: ۵۹۹).

از میان عوامل اجتماعی، نویسنده به مسأله دخالت کشورهای استعمارگر اشاره کرده است: «در زمان ناصرالدین شاه با کمال سهولت و آرامی چندین ولایت معظم از شمال خراسان و طوایف ترکمان‌ها را روس‌ها تصرف کردند بدون اینکه جنگ و مقاومت بینند و از طرف بلوچستان هم انگلیس‌ها تصرفاتی کردند بدون اینکه کسی درصدد گفتگو برآید... در حقیقت شمال ایران به تصرف روس و انگلیس تملک کرده امتیازها به دست آوردند» (همان: ۴۸۶).

۵- نتیجه

خاطرات حاج سیاح از جمله آثاری است که بخش برجسته‌ای از آن به مشروطیت می‌پردازد و مشروطه‌خواه بودن نویسنده سبب شده که تمامی سطوح و لایه‌های زبانی و معنایی، در جهت تأیید این جریان اجتماعی و سیاسی و سرکوب مخالفان آن و ستمگران باشد. بررسی این اثر در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، نماینده یک‌دستی و یکپارچگی تمامی عناصر زبانی و غیرزبانی در برجسته نمودن کلان‌گفتمان مشروطیت است و دیدگاه نویسنده را در طرفداری از مشروطه‌طلبان و

آزادی‌خواهان می‌نمایاند. در سطح توصیف، واژگان به‌کار رفته، حاوی ارزش‌های تجربی گفتمان مشروطه‌طلبی و آزادی‌خواهی است و از انواع روابط معنایی برای این امر استفاده شده است. در این اثر، واژگان بیش از آنکه دلالت بر حسن تعبیر داشته باشند، برای تقبیح و سرزنش مخالفان به کار رفته‌اند. استعاره‌های مفهومی نیز در ستایش انقلاب مشروطه کاربرد یافته‌اند. در سطح دستور زبان، راوی، مشروطه‌طلبان و مستبدان، مشارکین سه‌گانه اثر هستند. بسامد بالای وجه خبری، نماینده آگاهی نویسنده/ راوی دانای کل از اموری جاری است. در سطح تفسیر و تبیین نیز کلان‌گفتمان مشروطیت، بافت‌های مختلف متن را رنگ و بوی مشروطه‌طلبی و آزادی‌خواهی داده است و تمامی توجه مخاطب را به خود معطوف می‌دارد.

کتابنامه

- آبراهامیان، پرواند. (۱۳۹۱). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نی.
- ابراهیمی، آمنه. (۱۳۸۹). «فرار از وضع موجود (نگاهی به سفرنامه فرنگ حاج سیاح)». *بخارا*. ش ۷۶. ۶۱۲-۶۰۹.
- آذرننگ، عبدالحسین. (بی‌تا). «حاج سیاح؛ نویسنده سفرنامه و خاطرات و از دگراندیشان و مشروطه‌خواهان عصر قاجار». بی‌جا. ۴۸-۶۲.
- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات». *ادب‌پژوهی*. ش ۱. ۱۷-۲۷.
- اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۷). *تاریخ ایران*. تهران: نگاه.
- انوری، حسن و حسن. احمدی گیوی. (۱۳۷۷). *دستور زبان فارسی ۲*. چاپ پانزدهم. تهران: مؤسسه انتشارات فاطمی.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و نصرت ناصری مشهدی. (۱۳۸۷). «تحلیل متن نامه‌ای از تاریخ بیهقی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد*. س ۱۶. ش ۶۲. ۳۷-۵۸.
- حاج سیاح، میرزا محمدعلی محلاتی. (۱۳۵۹). *خاطرات حاج سیاح*. به کوشش حمید سیاح. تهران: امیرکبیر.
- حسین‌پناهی، فردین. (۱۳۹۰). «بررسی تقابل حقیقت و واقعیت در تاریخ بیهقی». *جستارهای ادبی*. ش ۱۷۳. ۹۹-۱۲۲.

- رحیمیان، جلال و محمد عموزاده. (۱۳۹۲). «افعال وجهی در زبان فارسی و بیان وجهیت». پژوهش‌های زبانی. ش ۱. ۴۰-۲۱.
- روح‌بخشان، عبدالمحمد. (۱۳۸۴). «حاج سیاح، سفرنامه‌نویسی معلم اخلاق و واضع لغت». نامه فرهنگستان. ش ۱۱. ۳۵-۵.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۴۶). شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب. تهران: دانشگاه تهران.
- شیخ‌سنگ‌تجن، شهین و راضیه مشهدی‌نژاد. (۱۳۹۴). «بررسی نحوی و معنایی فعل‌های کنشی زبان فارسی بر اساس دستور نقش و ارجاع». همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی. ۱۲۰۴-۱۱۹۱.
- طباطبایی، سیدجواد. (۱۳۹۵). تأملی درباره ایران. جلد ۲. تهران: مینوی خرد.
- علیزاده بیرجندی، زهرا و قنبرعلی رجیلو. (۱۳۸۹). «نقد و بررسی سفرنامه‌های ناصرالدین شاه به فرنگ با رویکرد تحلیل گفتمان». جستارهای ادبی. س ۴۳. ش ۱۶۸. ۱۳۴-۱۰۹.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. گروه مترجمان. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قبادی، حسینعلی. (۱۳۷۴). «نظری بر نمادشناسی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. س ۲۷. ش ۳ و ۴. ۳۳۷-۳۵۸.
- کسروی، احمد. (۱۳۶۳). تاریخ مشروطه ایران. جلد اول. چاپ شانزدهم. تهران: سپهر.
- محمودی، علیرضا. (۱۳۹۴). «بررسی کاربرد استعاره در تاریخ و صاف». فنون ادبی. س ۷. ش ۱. ۱۲۰-۱۰۳.
- مسرت، حسین. (۱۳۷۸). «معرفی کتاب: حاج سیاح و سفرنامه او». کتاب ماه. ش ۲۹. ۲۳-۲۱.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس. (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی. «استفاده صحیح و به جا از افعال معلوم و مجهول، چگونه ارتباط شما را متحول خواهد کرد؟». ۱۳۹۷/۲. www.unlimitedpower.ir